

حجیت تشخیص موضوع برای مقلد متخصص با تأملی در اندیشه آیت الله محسن فقیهی

محسن اکبری شاهرودی^۱

چکیده

«موضوع‌شناسی» از ارکان اصلی فرآیند اجتهاد و تطبیق احکام شرعی بر مصادیق خارجی است. هر حکم شرعی، متوقف بر شناخت صحیح موضوع آن است و خطا در تشخیص موضوع، به خطای در اجرای حکم منتهی می‌شود. از مسائل نوظهور در این عرصه، بررسی حجیت تشخیص موضوع توسط مقلد در فرضی است که وی در آن موضوع، صاحب تخصص باشد. در این مقاله، با تمرکز بر دیدگاه فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله محسن فقیهی، به بررسی حدود و ثغور حجیت نظر فقیه در تشخیص موضوعات پرداخته شده و نشان داده می‌شود

که در موارد تخصصی، اگر مقلد به دلیل تخصص، در تشخیص موضوع به اطمینان دست یابد، الزام به پیروی از نظر مجتهد برای او وجود ندارد. البته این عدم حجیت، تنها ناظر به تشخیص موضوع است و در تشخیص حکم شرعی همچنان پیروی از مجتهد لازم است. مقاله حاضر ضمن تبیین جایگاه موضوع‌شناسی در فرآیند استنباط و تأکید بر مرجعیت عرف، لغت، نصوص دینی و متخصصان، مرز میان وظایف فقیه و وظایف مقلد متخصص را روشن می‌سازد.

کلیدواژه: موضوع‌شناسی، تقلید، اجتهاد، حجیت، تشخیص موضوع، مقلد متخصص.

فقه و فقه‌پژوهی

شماره چهار

پاییز و زمستان

۱۴۰۳

^۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم.

از ارکان اساسی در فرآیند استنباط و اجرای احکام شرعی، شناخت صحیح و دقیق موضوعات احکام است. اهمیت موضوع‌شناسی از آنجاست که هیچ حکمی بدون داشتن موضوع، معنا نمی‌یابد؛ بلکه همواره حکم شرعی ناظر به یک واقعیت خارجی مشخص است. بنابراین، خطا در تشخیص موضوع، به‌طور مستقیم منجر به خطا در اجرای حکم خواهد شد. این امر، جایگاه کلیدی موضوع‌شناسی را در فقه و به‌ویژه در روند استنباط احکام روشن می‌سازد.

شناخت موضوع، گاه با رجوع به منابعی، مانند قرآن، روایات، عرف و لغت حاصل می‌شود، و گاه نیازمند مراجعه به متخصصان در علوم تجربی و انسانی است. این رویکرد ترکیبی، به فقیه امکان می‌دهد تا با نگاهی دقیق و جامع، موضوع مورد نظر را شناسایی و سپس حکم را بر آن تطبیق دهد. حتی در مواردی، خود فقیه تشخیص موضوع را به متخصص واگذار می‌کند و از مقلدان می‌خواهد که در تعیین مصادیق به کارشناسان مراجعه کنند؛ چنان‌که در مثال‌هایی مانند «ضرر بدنی» یا «ماهی فلس‌دار» این امر کاملاً مشهود است.

از سوی دیگر، در برخی موارد، ممکن است مقلد، با توجه به تخصص خود در یک حوزه، نظر فقیه را در تشخیص موضوع نپذیرد. در چنین حالتی، اگر فرد واقعاً دارای تخصص لازم باشد و برای او اطمینان حاصل شود، پیروی از نظر خود در تشخیص موضوع بر او واجب است و نظر فقیه در این زمینه برای او حجت نخواهد بود. البته این عدم حجیت، ناظر به تشخیص موضوع است، نه حکم شرعی، که همچنان در حیطه مرجع تقلید باقی می‌ماند.

موضوع‌شناسی نه‌تنها در فقه اسلامی، بلکه در سایر علوم نیز نقشی بنیادین ایفا می‌کند. همان‌گونه که در علم طب، تشخیص بیماری به‌عنوان مهم‌ترین مرحله

حجیت تشخیص موضوع برای
مقلد متخصص یا تأملی در اندیشه
آیت الله محسن فقیهی

درمان محسوب می‌شود و گاه نیاز به ارجاع به متخصصان دیگر دارد، در فقه نیز تشخیص موضوع یکی از مراحل کلیدی در صدور فتواست.

با توجه به اهمیت، پیچیدگی و گاه ابهام در موضوعات مستحدث، لازم است مباحثی همچون تفاوت موضوعات عادی و مستنبطه، حجیت یا عدم حجیت تشخیص موضوع توسط فقیه برای مقلد، و امکان تخطئه فقیه در تشخیص موضوع، به صورت دقیق‌تری مورد بررسی قرار گیرد.

از این رو، این مقاله با هدف تبیین و تحلیل علمی مسئله‌ی «تشخیص موضوع توسط مقلد در فرض تخصص»، بر پایه مبانی فقهی و با نگاهی به رویه‌ی فقها و با تأملی در اندیشه فقیه عالیقدر حضرت آیت الله محسن فقیهی، به این مسئله خواهد پرداخت.



تعریف موضوع

میرزای نائینی در آثار خود دو تعریف از "موضوع" ارائه داده که در نگاه نخست ممکن است ناسازگار به نظر برسند. وی در یک موضع، موضوع را این گونه تعریف می‌کند:

«و هو الامر الذی رتب حکم الشرعی علیه» یعنی: موضوع، چیزی است که حکم شرعی بر آن بار می‌شود. (میرزای نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۳۸۹)

اما در جایی دیگر، تعریف جامع و دقیق‌تری ارائه می‌دهد:

«و المراد بالموضوع هو ما اخذ مفروض الوجود فی متعلق الحكم كالعاقل البالغ المستطیع مثلاً...» (میرزای نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۴۵) یعنی: منظور از موضوع، چیزی است که به صورت مفروض الوجود در متعلق حکم اخذ شده، مانند عاقل، بالغ و مستطیع در حکم وجوب حج.

و در ادامه می‌فرماید:

«...و بعبارة أخرى، المراد من الموضوع هو المكلف الذي طُوبى بالفعل أو الترك بما له من القيود و الشرائط من العقل و البلوغ و غیر ذلك.» یعنی: به تعبیر دیگر، منظور از موضوع، مکلفی است که با تمام قیود و شرایطی مانند عقل، بلوغ و غیره، مورد مطالبه فعل یا ترک واقع شده است. (میرزای نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۴۵)

بر این اساس، می‌توان گفت که **محقق** نائینی در تعریف دوم، نگاه شخص‌محورتری دارد و موضوع را به مکلف و شرایط او مربوط می‌داند، در حالی که در تعریف نخست، بر شیئی که حکم بر آن مترتب است تأکید می‌کند. این دو نگاه را می‌توان مکمل یکدیگر دانست: یکی ناظر به بعد خارجی موضوع و دیگری ناظر به ساختار حکم و شرایط آن.

حجت تشخیص موضوع برای
مقلد متخصص یا تأملی در اندیشه
آیت الله محسن فقیهی

در همین راستا، شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر نیز دیدگاهی متفاوت و در عین حال، تکمیلی ارائه کرده است. او موضوع را متعلق متعلق معرفی می‌کند؛ یعنی چیزی که در واقع در عالم خارج وجود دارد و متعلق اصلی حکم (مانند فعل) به آن وابسته است. به عنوان نمونه، در آیهی «لا تشرب الخمر»، نوشیدن، متعلق حکم است، و خمر، موضوع یا متعلق متعلق است. (صدر، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۷۷)؛ این دیدگاه شهید صدر، بُعد عینی و خارجی موضوع را برجسته می‌سازد و آن را از صرف مفاهیم ذهنی متمایز می‌کند.

تعریف متعلق موضوع

بر اساس دیدگاه همه فقیهان، «متعلق» به اعمال و رفتار مکلفان اشاره دارد (میرزای نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۴۵؛ صدر، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۷۷). اگر این واژه در برابر «موضوع» به کار رود، منظور از متعلق، چیزی است که انجام آن از

بندگان خواسته شده؛ مانند نماز، حج و دیگر واجبات. در مقابل، «موضوع» چیزی است که در حکم شرعی، به عنوان مفروض الوجود در نظر گرفته می‌شود. برای نمونه، در جمله «لا تشرب الخمر»، شرب، متعلق است و خمر، موضوع به‌شمار می‌رود (صدر، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۷۷). به همین دلیل گفته شده که موضوع، علت و مقدمه صدور حکم است و در مرتبه‌ای پیش از آن قرار دارد، در حالی که متعلق، نتیجه و معلول حکم بوده و در رتبه‌ای پس از آن واقع می‌شود.

شایان ذکر است که فقها در بسیاری از موارد، دو واژه «موضوع» و «متعلق» را به جای یکدیگر به کار می‌برند. در این نوشتار نیز منظور ما از «موضوع»، معنایی گسترده‌تر است که هم موضوع اصطلاحی و هم متعلق را در بر می‌گیرد؛ به عبارتی، مقصود ما از موضوع، هر چیزی است که حکم شرعی بر آن تعلق می‌گیرد، فارغ از اینکه در اصطلاح فقهی، موضوع نامیده شود یا متعلق.



شماره چهار
پاییز و زمستان

۱۴۰۳

اهمیت موضوع‌شناسی

اهمیت موضوع‌شناسی از آن جهت است که احکام شرعی همیشه بر موضوعات خاصی مترتب هستند؛ به این معنا که هر حکم شرعی مرتبط با یک موضوع معین است. بنابراین، برای تطبیق صحیح حکم بر موضوع، باید موضوع به‌درستی شناسایی و مشخص شود. در غیر این صورت، اگر موضوع به اشتباه تشخیص داده شود، حکم نیز اشتباه خواهد بود. از این رو، برای فقیه ضروری است که موضوع را به‌دقت بشناسد و حکم را بر اساس آن موضوع قرار دهد. در این راستا، بحثی وجود دارد درباره کیفیت استنباط احکام شرعی و همچنین استنباط احکام موضوعات.

برای تشخیص موضوع، باید توجه داشت که موضوعات اقسامی مختلف دارند و تشخیص موضوع در هر مورد ممکن است با مورد دیگر متفاوت باشد.

برای تشخیص موضوعات، چندین مسیر وجود دارد. یکی از این مسیرها، تفسیر قرآن با قرآن است؛ بدین معنا که هر موضوعی که در قرآن آمده و در آیات دیگر تکرار شده است، با استفاده از معنای تکراری آن در آیات دیگر، معنا می‌شود. به عنوان مثال، برای درک کلمه «رؤیت» در مفهوم رؤیت هلال، هم می‌توان از قرآن (بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۹)^۱ و هم از روایات (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۱۲) کمک گرفت. با تجمیع موارد استعمال این واژه در آیات و روایات، معنای آن به دست می‌آید. همین‌طور در مورد کلمه «غنا» نیز به‌طور مشابه عمل می‌شود.

این موضوعات در واقع از موضوعات مستنبطه به شمار می‌آیند. موضوعات مستنبطه به موضوعاتی گفته می‌شود که در قرآن و روایات آمده‌اند و فقها آن‌ها را استنباط می‌کنند. در این‌گونه موضوعات، ممکن است معنای عرفی مقصود نباشد

و معنا، دقیق‌تر یا وسیع‌تر از آنچه در عرف مرسوم است، باشد.

حجیت تشخیص موضوع برای
مقلد متخصص یا تأملی در اندیشه
آیت الله محسن فقیهی

موضوعات مستنبطه شرعی عبارتند از: موضوعاتی که شارع آن را اختراع کرده است؛ یعنی عناوینی که در لغت دارای معنایی بوده‌اند و شارع با تصرف در معنای آن، آن‌ها را در مفهومی جدید به کار برده است. مثل صلوات که در لغت به

۱. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلَةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَآتَا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ از تو درباره هلال های ماه می پرسند، بگو: آنها وسیله تعیین اوقات [برای امور دنیایی و نظام زندگی] مردم و [تعیین زمان مراسم] حج است. و نیکی آن نیست که به خانه ها از پشت آنها وارد شوید، [چنان که اعراب جاهلی در حال احرام حج از پشت دیوار خانه خود وارد می شدند نه از در ورودی] بلکه نیکی [روش و منش] کسی است که [از هر گناه و معصیتی] می پرهیزد. و به خانه ها از درهای آنها وارد شوید؛ و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید.

۲. عن ابی الجارود، عن زیاد بن المنذر قال: سمعت ابا جعفر (ع) يقول: صم حين يصوم الناس وافطر حين يفطر الناس فان الله عزوجل جعل الأهلّة مواقيت. شنیدم حضرت باقر (ع) می‌فرمود: هنگامی که مردم روزه می‌گیرند روزه بگیر و هنگامی که مردم افطار می‌کنند افطار کن، زیرا خداوند عزوجل هلال‌ها را مواقیات برای مردم قرار داد.

معنای دعا بوده و در شرع در حرکات مخصوص استعمال شده است؛ یا صوم که در لغت به معنای خودداری از هر چیز بوده و در شرع به معنای امساک از اشیاء مخصوص در وقت خاص استعمال شده است. این مسأله در اصطلاح قدماء به عرف شرع تعبیر شده است. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۴)

به هر حال، موضوعات گاهی از طریق مراجعه به قرآن، گاهی از طریق روایات و گاهی نیز با توجه به عرف شناسایی می‌شوند. در برخی موارد، برای تعیین موضوع نیاز است که به متخصصین مراجعه شود؛ مانند تشخیص اینکه ماهی فلس‌دار است یا خیر که باید متخصصین این مسئله را تأیید کنند. همچنین، در مسأله «مرگ»، ممکن است پرسش این باشد که آیا مرگ مغزی نیز به عنوان مرگ محسوب می‌شود یا این که باید قلب از کار بیفتد تا مرگ محقق گردد.

تشخیص درست در موضوعات

بیان شد که برای تشخیص موضوع، باید به عرف، لغت، قرآن و روایات مراجعه شود. اگر فقیه پس از این مراجعه به اطمینان برسد که موضوع روشن است، نیازی به بررسی بیشتر نخواهد بود. اما اگر اطمینان حاصل نشود، فقیه باید به متخصصان مربوطه مراجعه کند. در برخی موارد، ممکن است فقیه تشخیص موضوع را به متخصص واگذار کرده و به مردم توصیه کند که برای تعیین موضوع به کارشناسان مربوطه مراجعه نمایند. به عنوان مثال، در مسأله «ضرر بدنی»، فقیه ممکن است مردم را به پزشک ارجاع دهد؛ به طوری که اگر پزشک تشخیص دهد ضرر بدنی محقق شده، حکم شرعی خاصی بر آن مترتب خواهد شد و در صورت عدم تشخیص ضرر، حکم متفاوتی خواهد بود.

امام خمینی قدس سره در پاسخ به این سؤال: «تشخیص موضوعات که در رابطه با مستنبطات روایات و ادله شرعیه نیست، با چه کسی است؟ و اگر با عرف است آیا مجتهد می‌تواند تعیین مصادیق عرفیه کند و یا باید به عرف



واگذار. و اگر در موردی نظر مقلد با مجتهد متفاوت بود، کدام یک از انظار لازم‌الاتباع است؟» می‌نویسد:

«میزان عرف است و اگر بین مجتهد و مقلد اختلاف باشد، باید از عرف نظرخواهی کنند، و اگر هریک مدعی است که عرف چنین است، هریک به نظر خود عمل کند.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۵، ۳۰۶)

گاهی برای تشخیص مصادیق موضوع نیز باید به متخصص مراجعه کرد. در نهایت، ملاک اصلی، کسب اطمینان از روش‌های ذکر شده است. در این موارد، ممکن است مقلد اظهار کند که خود او بهتر از فقیه حکم را می‌فهمد و از این رو، تشخیص فقیه در فهم موضوع را نمی‌پذیرد زیرا خود متخصص است. در چنین حالتی، مکلف باید به نظر خود در تشخیص موضوع عمل کند و نظر مجتهد برای او حجت نخواهد بود. البته این عدم حجیت، فقط در تشخیص موضوع است و در تشخیص حکم، نظر مجتهد همچنان حجت خواهد بود. در تشخیص موضوع، قاعده اولیه مراجعه به عرف است؛ اما اگر از فهم عرف اطمینان حاصل نشد، لازم است به متخصصان مربوطه رجوع شود.

حجیت تشخیص موضوع برای
مقلد متخصص یا تألی در اندیشه
آیت الله محسن فقیهی

جایگاه موضوع‌شناسی در دانش‌های دیگر

در سایر دانش‌ها نیز مسئله مشابهی وجود دارد؛ همان‌طور که فقها برای پیاده‌سازی حکم نیاز به تشخیص دقیق موضوع دارند، در علوم دیگر مانند پزشکی و شیمی نیز این ضرورت مطرح است. به‌عنوان مثال، در علم پزشکی، گاهی پزشک عمومی می‌گوید که قادر به تشخیص صحیح موضوع نیست و بنابراین باید به متخصص مربوطه مراجعه شود. این اقدام در واقع بخشی از فرآیند موضوع‌شناسی دقیق توسط پزشک است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در علم طب مورد توجه قرار می‌گیرد، تشخیص بیماری است. پزشکان برای

تشخیص صحیح بیماری‌ها تلاش زیادی می‌کنند و در بسیاری از موارد به متخصصان دیگر ارجاع می‌دهند؛ امری که نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه موضوع‌شناسی دقیق در علم پزشکی است.

حجیت نظر فقیه در تشخیص موضوع در مقایسه با نظر مقلّد

حجیت نظر فقیه در تشخیص موضوع نسبت به نظر مقلّد یکی از مباحث کلیدی در فرآیند استنباط احکام شرعی است. همان‌طور که می‌دانیم، احکام شرعی همواره بر موضوعات خاصی مترتب می‌شوند و هر حکم، ناظر به یک موضوع معین است. به همین دلیل، تشخیص صحیح موضوع پیش‌نیاز اجرای صحیح حکم است. در این راستا، اگر فقیه در تشخیص موضوع دچار اشتباه شود، این خطا می‌تواند به اشتباه در تطبیق حکم منجر شود و اجرای آن را به خطا ببرد. بنابراین، جایگاه موضوع‌شناسی در فقه و در فرآیند استنباط احکام شرعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

همان‌طور که بیان شد فقیه برای تشخیص موضوع باید به منابع مختلفی نظیر عرف، لغت، قرآن و روایات مراجعه کند. اگر فقیه پس از بررسی این منابع به اطمینان برسد که موضوع به‌درستی شناسایی شده است، نیاز به تحقیق بیشتر نخواهد بود. اما اگر اطمینان حاصل نشود، فقیه موظف است برای دقت بیشتر به متخصصان مرتبط مراجعه کند. در برخی موارد، حتی ممکن است فقیه تشخیص موضوع را به متخصصین واگذار کند و از مقلّدین بخواهد که برای فهم موضوع به کارشناسان آن حوزه مراجعه نمایند.

در این میان، گاهی ممکن است مقلّد اظهار کند که خود او در تشخیص موضوع از فقیه بهتر می‌تواند حکم را درک کند و نظر فقیه را نپذیرد. این مورد زمانی پیش می‌آید که مقلّد در آن حوزه خاص تخصص دارد و به اطمینان کافی



در تشخیص موضوع رسیده است. در چنین شرایطی، اگر مقلد واقعاً صاحب نظر و متخصص باشد، نظر فقیه برای او حجیت ندارد و باید به نظر خود عمل کند. البته باید توجه داشت که این عدم حجیت تنها در خصوص تشخیص موضوع است و نه در خصوص حکم شرعی. به این معنا که حتی اگر مقلد در تشخیص موضوع نظر متفاوتی از فقیه داشته باشد، همچنان در تشخیص حکم شرعی باید از نظر فقیه پیروی کند؛ چرا که در مسائل فقهی، نظر مجتهد نسبت به مقلد حجت است.

این مسئله نه تنها در فقه، بلکه در سایر علوم نیز صادق است. به عنوان مثال، در علم پزشکی، گاهی پزشک عمومی قادر به تشخیص دقیق موضوع (مانند بیماری خاص) نیست و باید بیمار را به متخصص مربوطه ارجاع دهد. این فرآیند مشابهی در موضوع شناسی فقهی است که فقیه در برخی موارد، تشخیص موضوع را به متخصص واگذار می کند.

حجیت تشخیص موضوع برای
مقلد متخصص یا تألیف در اندیشه
آیت الله محسن فقهی

در نهایت، مسئله حجیت نظر فقیه در تشخیص موضوع، در راستای دقت در استنباط احکام شرعی قرار دارد. هرگونه اشتباه در تشخیص موضوع می تواند منجر به اشتباه در اجرای حکم شود، و به همین دلیل در مواردی که فقیه یا مقلد در تشخیص موضوع به اطمینان نمی رسند، مراجعه به متخصص ضروری است.

نتیجه گیری

موضوع شناسی در فقه، مقدمه ای ضروری برای استنباط احکام شرعی است. با توجه به پیچیدگی روزافزون مسائل اجتماعی، پزشکی، اقتصادی و...، فقیه در تشخیص برخی موضوعات ناگزیر از ارجاع به متخصصان است. این امر نه تنها تعارضی با اصول اجتهادی ندارد، بلکه نشان دهنده انعطاف پذیری فقه در تعامل با علوم روز است. در همین راستا، اگر مقلد در موضوعی خاص تخصص داشته

باشد و به تشخیصی برسد که برای او اطمینان‌آور است، نظر مجتهد در آن موضوع برای وی حجت نخواهد بود. چنین تفکیکی میان "حجیت نظر فقیه در حکم" و "عدم حجیت در موضوع تخصصی" می‌تواند موجب کارآمدی بیشتر فقه در مواجهه با مسائل مستحدثه شود. همچنین این تفکیک، مرزهای دقیق‌تری میان وظایف فقیه و مقلد ترسیم می‌کند و بستر تعامل مؤثر میان فقه و سایر علوم را فراهم می‌سازد.



شماره چهار
پاییز و زمستان

۱۴۰۳

فهرست منابع

قران کریم

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، محقق: حسینی جلالی، محمدرضا، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث - قم - ایران.
۲. ابن ادریس حلی، (۱۴۱۰ق)، *کتاب السرائر: الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۰) *صحیفه نور*، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
۴. میرزای نائینی، محمد حسین، (۱۳۷۶ش)، *فوائد الاصول*، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین، قم.
۵. صدر، سید محمد باقر، (۱۴۰۵ق)، *بحوث فی علم الاصول*، تقریری از درس شهید صدر، مقرر سید محمود هاشمی، قم: مجمع علمی شهید صدر.
۶. مصاحبه آیت الله فقیهی با فقه معاصر، *پایگاه اطلاع رسانی آیت الله فقیهی*؛
<http://mohsenfaghihi.com/ar/node/۵۹۴>